



دانشگاه مازندران

دانشگاه مازندران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان‌نامه‌ی دوره‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی علوم سیاسی

موضوع:

سازگاری اسلام‌گرایان با دموکراسی در ترکیه

(با تأکید بر عملکرد حزب عدالت و توسعه)

استاد راهنما:

دکتر مهدی رهبری

استاد مشاور:

دکتر صادق زیباکلام

دانشجو:

ابراهیم بهشتی نامدار

شهریور ۱۳۸۸

تقدیم به:

آنها که آزادی و اندیشه‌ورزی را پاس می‌دارند.

با سپاس از زحمات آنان که در این پژوهش مرا یاری رساندند. در صدر این بزرگواران استاد راهنمایم دکتر «مهدی رهبری» است که با راهنمایی‌های خود، گره کارها را می‌گشود و طریق ثواب را نشان می‌داد. استاد محترم دکتر «صادق زیباکلام» نیز با وجود مشغله‌های فراوان زحمت مشاوره را تقبل فرمودند. اساتید محترم گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران دکتر «کریمی»، دکتر «فزلطفلی»، دکتر «رفیع»، دکتر «جمالی» و دکتر «جعفری» نیز شایسته‌ی تقدیر و سپاس‌گذاری هستند که در مقطع کارشناسی ارشد، اندوخته‌های علمی خود را بی‌دریغ در اختیار اینجانب و سایر همکلاسی‌ها گذاشتند. دوستان دیگری همچون مراد مسافری، زهرا داوری و شهین زمانی نیز به نوبه‌ی خود سهمی در آماده شدن این پژوهش دارند که در خور قدردانی است. ناگفته پیداست که هر گونه ضعف و نقصی در این پژوهش، متوجه اینجانب است.

چکیده

ترکیه‌ی امروزی وارث آخرین خلافت و امپراتوری اسلامی است که اینک با مردمی مسلمان، نظامی سکولار را پذیراست. ترکیب یک نظام سکولار با مسلمانانی که چند دهه است سودای قدرت و تشکیل دولت در سر دارند، ترکیه را سوژه‌ای جدی و قابل تأمل ساخته است؛ برای اندیشمندان، پژوهشگران و سیاستمدارانی که دل در گرو ایجاد ترکیبی مناسب از اسلام و دموکراسی دارند.

پژوهش حاضر مدعی است که ترکیه از پس تجارب و آزمون و خطاهای فراوان هم به عنوان یک جامعه‌ی اسلامی و هم به عنوان یک نظام دموکراتیک، اینک به دوران بلوغ خود رسیده و توانسته است ترکیب نسبتاً موفق‌تری از اسلام‌گرایی و دموکراسی را به وجود آورد؛ به همین دلیل به نظر می‌رسد ترکیه و حزب «عدالت و توسعه» می‌توانند برای سایر دولت‌ها و احزاب در جوامع اسلامی الگو باشند.

در این پژوهش ثابت شده که دو عامل «بستر دموکراتیک موجود در ترکیه» - به‌ویژه بعد از استقرار نظام چند حزبی از دهه‌ی ۱۹۵۰- و همچنین «دگرگونی و تحوّل فکری اسلام‌گرایان» این ترکیب نسبتاً موفق را ایجاد کرده‌اند. به همان میزان که فضای سیاسی ترکیه به سمت دموکراتیک‌تر شدن حرکت کرده است، اسلام‌گرایان نیز روش‌ها و اندیشه‌های خود را اصلاح کرده و با پرهیز از روش‌های رادیکالی و سنتی، به برداشت‌های نوگرایانه از اسلام، دموکراسی و مدیریت و حکومت رسیده‌اند. در این میان سنت جدایی دین از سیاست در ترکیه، هر چند با افراط‌هایی همراه بوده است؛ اما نقش بسزایی در تحقق این امر داشته است.

واژه‌های کلیدی: دموکراسی، نوگرایی، حزب، سکولاریسم، کمالیسم، اسلام‌گرایی (اسلام سیاسی)

فهرست مطالب

عنوان	شماره‌ی صفحه
فصل اول: کلیات.....	۱
تعریف مسئله.....	۲
سابقه پژوهش.....	۶
هدف پژوهش.....	۱۳
چارچوب نظری.....	۱۳
تعریف کلیدواژه‌ها.....	۱۵
ساماندهی پژوهش.....	۱۷
فصل دوم: اسلام و دموکراسی.....	۱۸
مقدمه.....	۱۹
اسلام و دموکراسی؛ یک اصطلاح چند تعریف.....	۱۹
دو دیدگاه درباره سازگاری اسلام و دموکراسی.....	۲۲
بنیادگرایی.....	۲۴
سنت‌گرایی.....	۲۷
نوگرایی یا اصلاح طلبی دینی.....	۳۰
نتیجه.....	۳۳
فصل سوم: بستر دموکراتیک در جمهوری ترکیه.....	۳۶
مقدمه.....	۳۷
دین و دولت در ترکیه.....	۳۷
لائسیم در ترکیه.....	۴۱
قانون اساسی و نهادینه شدن لائسیم.....	۵۰
ارتش و تغییر شرایط در ترکیه.....	۵۲
جمعیت و آموزش در ترکیه.....	۵۸
تحولات اقتصادی و تحکیم دموکراسی.....	۶۴
همگرایی با غرب و تلاش برای عضویت در اتحادیه اروپا.....	۷۱
تجز، انتخابات و نهادینه شدن دموکراسی.....	۸۰
نتیجه.....	۸۵
فصل چهارم: تحول فکری اسلام‌گرایان.....	۸۷
مقدمه.....	۸۸

۸۹.....	اسلام‌گرایان و کیفیت حضور در جامعه.....
۹۲.....	احزاب اسلام‌گرا در ترکیه.....
۱۰۳.....	برآمدن دموکرات‌های مسلمان.....
۱۱۲.....	طریقت‌ها و جنس اسلام‌گرایی در ترکیه.....
۱۲۰.....	روشنفکران به جای علمای دینی.....
۱۲۶.....	نتیجه.....
۱۲۸.....	پیشنهادات.....
۱۳۰.....	منابع و ماخذ.....

فصل اول: کلیات

تعریف مسئله

جهان اسلام پس از گذشت سال‌های مدید از رویارویی با دنیای غرب همچنان در چنبره‌ی شکاف عمده میان سنت و تجدد دست و پا می‌زند و نتوانسته است راه حلی اساسی برای برون‌رفت از وضعیت نامطلوب خود در برابر جوامع توسعه‌یافته پیدا کند؛ در نتیجه علاوه بر اندیشمندان و روشنفکران اسلامی، بسیاری از پژوهشگران و صاحب‌نظران غیراسلامی و حتی سیاستمداران جهانی به بررسی و مطالعه اسلام و رابطه‌ی آن با مفاهیم جدیدی چون دموکراسی و حقوق بشر پرداخته‌اند. از دهه‌ی ۱۹۷۰ و به ویژه پس از شکست عرب‌ها در جنگ ۱۹۶۷ با اسرائیل که از آن با عنوان پایان «پان عربیسم» نیز یاد کرده‌اند، فعالیت‌های مسلمانان ذیل عناوینی چون «اسلام‌گرایی» و «اسلام سیاسی» مطرح و دوباره بررسی شده است.

مفهوم «اسلام سیاسی» بیشتر برای توصیف آن دسته از جریان‌های سیاسی اسلامی به کار می‌رود که خواستار ایجاد حکومتی بر مبنای اصول اسلامی هستند؛ بنابراین اسلام سیاسی را می‌توان گفتمانی به شمار آورد که گرد مفهوم مرکزی «حکومت اسلامی» نظم یافته است. این گفتمان به تفکیک ناپذیری دین و سیاست تأکید کرده و مدعی است که اسلام از نظریه‌ای جامع درباره‌ی دولت و سیاست برخوردار است و به دلیل تکیه بر وحی، از دیگر نظریه‌های سیاسی متکی بر خرد انسان برتر است. هدف نهایی این گفتمان بازسازی جامعه بر اساس اصول اسلامی است و در این راه به دست آوردن قدرت سیاسی مقدمه‌ای ضروری تلقی می‌شود.^۱

اسلام‌گرا [هم] واژه‌ای است که ناظران خارجی عموماً به طور یکسان آن را برای توضیح و تبیین جنبش یا جریانی به کار می‌برند که اعضای آن خواهان تغییرات سیاسی در تمام یا بخشی از دولت هستند. به این منظور که حکومت و اداره‌ی عمومی را بر طبق تعریف خود از اصول اسلامی تنظیم و هماهنگ کنند؛ در نتیجه اسلام‌گرایی نیز بر اساس تفسیرهای متفاوت از مقتضیات اسلام و شرایط سیاسی فرهنگی و اجتماعی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، متفاوت است. بر این اساس در روش‌های مورد استفاده اسلام‌گرایان هم تفاوت اساسی وجود دارد که موجب می‌شود بعضی گروه‌ها به خشونت متوسل شوند؛ در حالی که برخی دیگر ترجیح می‌دهند از طریق آرای عمومی به اهداف خود دست یابند.^۲

۱. سید محمد علی حسینی زاده، اسلام سیاسی در ایران، انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۸۶، ص ۱۳

۲. زهرا رضایی، «دموکرات‌های مسلمان»، مرکز مطالعات خاورمیانه، مقالات خاورمیانه شناسی، شماره ۴۶

با توجه به این موارد، تقسیم‌بندی‌های متفاوتی نیز از اسلام‌گرایان صورت گرفته است. «چریل بنارد» در همین ارتباط گروه‌های موجود در جوامع مسلمان را به چهار دسته‌ی کلی «بنیادگرایان، سنت‌گرایان، مدرنیست‌ها و سکولارها» تقسیم می‌کند و مدعی می‌شود که بنیادگرایان بیشترین فاصله را با ارزش‌های لیبرال دموکراسی غرب دارند و مدرنیست‌ها نیز گزینه‌ی ای هستند که جوامع غربی برای مهار برداشت‌ها و تفسیرهای بنیادگرایانه بایست به آنان نزدیک شوند و همکاری کنند.^۱

بحث‌های سنت و تجدد در ترکیه در دوران آخر امپراتوری عثمانی آغاز شده و در دوران جمهوری ادامه داشته است. ترکیه به عنوان یکی از گذرگاه‌های اشاعه‌ی فرهنگ مسلمانان و ترک‌ها به مغرب زمین و در عین حال پنجره‌ای به مشرق زمین محسوب می‌شود. موقعیت سه دریای مدیترانه، سیاه و اژه در اطراف ترکیه آن را به پل ارتباطی اروپا و آسیا تبدیل کرده است. در اهمیت موقعیت استراتژیک ترکیه، استالین در کنفرانس «پوتسدام» گفته بود: «ترکیه از چنان موقعیت جغرافیایی برخوردار است که با کمک آن می‌توان گلولی هر ابرقدرتی را فشرد». ناپلئون بناپارت هم گفته است: «حاضریم نیمی از مناطق تحت نفوذم را بدهم؛ اما از گذرگاه‌هایی که مرا به روسیه می‌رساند (بسنفر و داردانل) چشم‌پوشم».^۲

مسلمانان در تاریخ جدید ترکیه از زمان تأسیس در ۱۹۲۲ دوران پرفراز و نشیبی را سپری کرده‌اند. آن‌ها تا اوایل دهه‌ی ۵۰ م که نظام چند حزبی توسط عصمت اینونو جانشین مصطفی کمال پاشا (آتا تورک) جایگزین سیستم تک حزبی شد، از کمترین توان سیاسی برای عرض اندام در برابر لائیک‌ها برخوردار بودند و عمده حرکت‌های اعتراضی هم که در اوایل حکومت آتاتورک صورت گرفت، به شدت سرکوب شد. با این حال پس از تأسیس حزب دموکراتیک و شرکت این حزب در انتخابات پارلمان به رهبری «عدنان مندرس» مسلمانان در غیاب احزاب سیاسی ویژه‌ی خود به حزب دموکراتیک و سپس حزب عدالت به رهبری «سلیمان دمیرل» نزدیک شدند.

«نجم‌الدین اربکان» در سال ۱۹۷۰ اولین حزب مسلمان را با نام نظام ملی تأسیس کرد که به دنبال کودتای ۱۹۷۱ تعطیل شد. یک سال بعد اربکان حزب «سلامت ملی» را با همان اهداف دین‌خواهانه تشکیل داد که مشخص بود ادامه دهنده‌ی حزب قبلی است. سلامت ملی پس از کسب ۱۱/۹ درصد آرا در سال ۱۹۷۳ در ائتلاف دولت حزب چپ‌گرای جمهوری خلق نیز وارد شد و یک بار دیگر نیز با کسب ۸/۶ درصد آرا در انتخابات ۱۹۷۷، توانست تعداد زیادی از مسلمانان را در وزارت‌خانه‌ها و ارگان‌های دولتی مشغول به کار

۱. چریل بنارد، اسلام دموکراتیک مدنی، عسگر قهرمانپور، پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۸۴

۲. محسن مرادیان، برآورد استراتژیک ترکیه، مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۵، ص ۳۹

کند. این حزب پس از کودتای ۱۹۸۰ تعطیل شد. «رفاه» حزب دیگری بود که مسلمانان تأسیس کردند. حزب رفاه هم توانست با کسب موفقیت‌هایی در انتخابات، ریاست شهرداری‌های شهرهای بزرگ از جمله استانبول و آنکارا را از آن خود کند و در ادامه با ائتلاف با حزب راه راست به رهبری «تانسوا چیلر» تشکیل دولت دهد. این حزب نیز در ۱۹۷۷ در پی فشار ارتش و لائیک‌ها توسط دادگاه قانون اساسی منحل شد.

موفقیت بزرگ برای احزاب اسلام‌گرا زمانی حاصل شد که در انتخابات زود رس ۲۰۰۲، حزب تازه تأسیس عدالت و توسعه به رهبری «رجب طیب اردوغان» اکثریت آرا را از آن خود کرد و توانست به تنهایی تشکیل دولت دهد.^۱

رهبران حزب عدالت و توسعه در حقیقت همان چهره‌های شاخص و اعضای حزب‌های قدیمی‌تر اسلام‌گرا بودند که دچار تحولات فکری شده‌اند. به اذعان این رهبران حزب عدالت و توسعه نه یک حزب ایدئولوژیک که حزبی دموکرات و محافظه‌کار است. عنوان دموکرات و محافظه‌کار گویای تغییر و تحولات درونی اسلام‌گرایان در سال‌های اخیر است. دموکرات‌های محافظه‌کار (اسلام‌گرایان نوگرا در حزب عدالت و توسعه) پس از آن‌که انتخابات پارلمانی ۲۰۰۷ را نیز با موفقیت پشت سر گذاشتند و به ویژه عبدالله گل از رهبران خود را به همراه همسر محجبه‌اش به کاخ ریاست جمهوری رساندند، نظرهای جهانیان و به ویژه پژوهشگران و روشنفکران جهان اسلامی را بیشتر از پیش به سوی خود جلب کردند.

به اعتقاد بسیاری از تحلیل‌گران کارنامه‌ی موفق آن‌ها در طول چند سال گذشته به لحاظ اقتصادی فرهنگی و دیپلماسی در کنار دست یافتن به ترکیب نسبتاً موفق اسلام و دموکراسی، ترکیه و حزب عدالت و توسعه را به الگویی برای جهانیان و احزاب اسلامی بدل کرده است.^۲

به هر روی آنچه امروز در ترکیه با جمعیت اکثرأً مسلمان، نظامی لائیک و دولتی با گرایش‌های مذهبی به وقوع پیوسته و ادامه می‌یابد، موضوع پر اهمیتی است که پژوهش در آن چه بسا راهگشای بسیاری از مشکلات سایر جوامع اسلامی باشد که همچنان در شکاف سنت و مدرن یا دین و دموکراسی دست و پا می‌زنند. در ترکیه‌ی لائیک بر خلاف بسیاری از کشورهای اسلامی که نظام دینی حاکم است، احزابی سربرآورده‌اند که هم مذهبی‌اند و هم با اتکا به قانون اساسی در کنار احزاب لائیک فعالیت می‌کنند.

اسلام‌گرایان ترکیه امروز با سپری کردن دوران‌های فراز و فرود و کسب تجارت فراوان از اسلاف خود به ترکیب نسبتاً موفق از اسلام و دموکراسی نایل آمده‌اند. این امر از یک طرف ناشی از فضا و بستر

۱. ابراهیم بهشتی نامدار، «خطای بزرگ»، مجله شهروند امروز، شماره سوم، ۱۳۸۶

۲. ابراهیم بهشتی نامدار، «تجربه‌ی موفق حزب اسلام‌گرا در نظام سکولار»، شرق، ۸۶/۴/۳۰.

دموکراتیکی است که در کشور ترکیه وجود دارد و از سویی دیگر در تحولات فکری اسلام‌گرایان ریشه دارد. همان‌گونه که پیش از این اشاره شد از زمان حاکم شدن سیستم چند حزبی و پیروزی حزب دموکراتیک بستر مناسبی برای عرض اندام طیف‌های مختلف فکری موجود در این کشور به وجود آمد. هرچند نظامیان چندین بار در سیاست دخالت کرده و دولت‌های حاکم را سرنگون کرده‌اند؛ اما آن‌ها به فاصله‌ی کوتاهی عرصه‌ی سیاست را به سیاستمداران واگذار کرده و به پادگان‌ها برگشته‌اند.

مهم‌ترین ادعا و دلیل نظامیان برای دخالت در حوزه سیاسی حفاظت از اصول دموکراتیک قانون اساسی بوده است. این بستر نسبتاً دموکراتیک قانونی به همراه تحول فکری اسلام‌گرایان باعث شده است که بر خلاف بسیاری از کشورهای اسلامی، اسلام‌گرایان ترکیه امکان حضور در عرصه عمومی جامعه و تشکیل دولت را داشته باشند و از در افتادن به وادی رادیکالیسم و بنیادگرایی به دور مانند. در این راستا یافتن عامل یا عواملی که زمینه‌ساز ایجاد ترکیب نسبتاً مناسب بین اسلام‌گرایان و آموزه‌های دموکراتیک در ترکیه شده است، بسیار مهم است.

سؤال اصلی

چرا اسلام‌گرایان ترکیه به سازگاری نسبتاً موفق با دموکراسی رسیده‌اند؟

سؤالات فرعی

۱- آیا حزب عدالت و توسعه می‌تواند برای احزاب اسلامی در سایر کشورهای اسلامی الگو باشد؟

۲- آیا اساساً ماهیت اسلام و جریان‌ات اسلام‌گرا در ترکیه با سایر جوامع اسلامی متفاوت است؟

فرضیه‌ی اصلی

بستر دموکراتیک و تحول فکری اسلام‌گرایان زمینه‌ساز سازگاری اسلام‌گرایان با دموکراسی در ترکیه شده است.

فرضیه‌های فرعی

۱- حزب عدالت و توسعه با مشی اصلاح‌طلبانه خود می‌تواند الگویی برای احزاب اسلامی در جوامع اسلامی باشد.

۲- در آمیختن دین اسلام با تصوف، باعث تفاوت‌هایی در اسلام‌گرایی ترکیه با سایر جوامع اسلامی شده است.

سابقه‌ی پژوهش

به رغم بروز تحولات مهم در عرصه‌ی اجتماعی سیاسی ترکیه در یک دهه‌ی اخیر و به ویژه موفقیت اسلام‌گرایان در حوزه‌های مختلف، عمده تألیفات و پژوهش‌هایی که درباره‌ی ترکیه به فارسی موجود است، مربوط به تحولات پیش از دهه‌ی ۹۰ است و بنابراین تحلیل‌ها و بررسی‌های موجود درباره‌ی موضوع پژوهش، در قالب مقاله و یا پایان‌نامه‌های درسی است.

تألیفات و پژوهش‌های انجام شده درباره‌ی ترکیه به دو دسته تقسیم می‌شوند: الف. دسته‌ی اول بیشتر مربوط به مباحث نظری درباره‌ی احیای اسلام‌گرایی و رابطه‌ی دین اسلام با سیاست و یا دولت است. در این دسته از آثار، مؤلفان ضمن پرداختن به مفاهیم اسلام‌گرایی و تعامل دین با سیاست دنیوی، معمولاً تجربه‌ی ترکیه را نیز بررسی کرده‌اند.

ب. دسته‌ی دوم آثاری را دربرمی‌گیرد که مشخصاً درباره‌ی ترکیه و روند رو به رشد اسلام‌گرایی و تحول فکری اسلام‌گرایان به صورت توصیفی و تحلیلی است.

الف. پژوهش‌های نظری درباره‌ی رابطه اسلام و سیاست

یکی از تألیفات مهم در این دسته، کتاب «سیاست دینی لائیک و سکولار» نوشته‌ی «انعام احمد قدوح» است که در آن ابتدا به تعریف لائیسزم و مفهوم غربی آن و نیز مفهوم مورد بحث در کشورهای اسلامی به ویژه کشورهای عربی می‌پردازد و اروپا را مهد پیدایش لائیسزم می‌داند. نویسنده علت پیدایش لائیسزم در جهان اسلام را انحراف عقیدتی مسلمانان، ملیت‌گرایی و رسوخ فلسفه‌های مادی در جامعه اسلامی می‌داند و به نقش اروپاییان در رواج آن تأکید بسیار دارد.

احمد قدوح تأکید کرده است که به‌رغم تسلط خشونت‌بار رئالیسم در جامعه‌ی ترکیه، این پدیده هیچ‌گاه مورد قبول عامه قرار نگرفته و دلیل بارز آن را جوشش مجدد اسلام در این کشور می‌داند. این کتاب اثری ارزنده در بررسی انواع لائیسزم موجود در کشورهای اسلامی است که نویسنده سعی کرده است تقریباً همه‌ی نظریه‌های متفاوت را درباره‌ی مفهوم لائیسزم در کشورهای عربی و حتی در خاورمیانه جمع‌آوری و آن‌ها را نقد کند. با این حال به علت توجه بسیار نویسنده به کشورهای عربی مباحث مربوط به ترکیه در این کتاب مطرح نشده است و البته ترکیه در این کتاب به عنوان بارزترین کشوری معرفی شده که لائیسزم در آن گسترش بسیار یافته است.

«آرنولد توین بی» را شاید بتوان قدیم‌ترین نظریه‌پرداز در میانه‌ی قرن بیستم دانست که به تبیین احیای مجدد اسلام در دهه‌های اخیر و حتی پیش‌بینی برنامه‌ی دین‌زدایی در کشورهایی چون ترکیه پرداخت. توین-بی معتقد است که مسلمانان بعد از جنگ دوم جهانی که تمدن غرب از هر لحاظ برتری یافته است، روحیه بالای تمدن‌سازی و حتی هویت تمدن خود را از دست داده‌اند. او ادامه می‌دهد که هرگاه تمدنی در چنین وضعیتی قرار می‌گیرد یا راه متعصبانه و یا راه سازش‌کارانه را انتخاب می‌کند. عکس‌العمل متعصبانه همانند «سنوسی‌ها» و «وهابی‌های» اولیه عربستان که بدون توجه به قدرت و ابزار تهاجم طرف مقابل، به سوی ابزار و اعتقادات سنتی خود می‌روند و در نهایت به محافظه‌کاری می‌رسند.

عکس‌العمل سازش‌کارانه، عکس‌العملی است که قصد دارد سوار موج امروزی شود و بدین سان با گذشته خود کاملاً قطع ارتباط کند و به شکل تمدن غالب امروزی درآید که نمونه‌ی آن در ترکیه و مصر دیده می‌شود.

توین بی، آنچه را که در ترکیه در زمان آتاتورک انجام گرفته است، یک انقلاب سازش‌کارانه خوانده و معتقد است که رهبران سیاسی ترکیه با تمام امکانات و با خشونت، همه‌ی مظاهر غرب از حروف الفبا گرفته تا لباس و قانون اساسی را تقلید می‌کنند و امیدوارند با این موج غرب‌گرایی به زودی به قافله‌ی تمدن صنعتی برسند؛ ولی این کار به دو دلیل محکوم به شکست است: اول آن‌که برنامه‌ی سازش‌کارانه، یک نسخه‌ی غربی است که ممکن است با عکس‌العمل شدید مردم روبه‌رو شود و دوم این‌که غربی‌ها نیز هرگز به ملتی که از ریشه‌ی خود بریده است، به دیده‌ی احترام و عزت نگاه نمی‌کنند.

توین بی که نظراتش در این باره از کتاب «درس‌های سیاست خارجی» نوشته‌ی «محمد جواد لاریجانی» آورده شده است، تحقیر ترکیه و نپذیرفتن این کشور در اتحادیه‌ی اروپا را مؤید این واقعیت می‌داند. به رغم آن که نظرات توین بی در خصوص ترکیه واقعی به نظر می‌رسند، تحولات دو سه دهه اخیر این کشور را در بر نمی‌گیرند.

«ساموئل هانتینگتون» نظریه‌پرداز شهیر آمریکایی نیز از جمله کسانی است که از منظر تئوریک به این موضوع نگریده و اسلام‌گرایی را محصول برخورد تمدن‌ها دانسته است. هانتینگتون در مقاله‌ای با عنوان «بنیادگرایی محصول رویایی تمدن‌ها»، معتقد است که یکی از علت‌های مهم احیای دوباره‌ی اسلام در دهه‌های اخیر، نگرانی مسلمانان از تسلط فرهنگی غربی است. از این رو روشنفکران مسلمان به تفاوت میان مدرنیسم و غربی شدن جوامع خود اصرار دارند. واضح نظریه‌ی برخورد تمدن‌ها معتقد است که تجربه‌ی نظام ترکیه در غربی کردن جامعه موفقیت‌آمیز نبوده است و دگرگونی‌های اساسی که دولت‌های لائیک بر مردم

تحمیل کردند، موجب دوگانگی فرهنگی بین ملت ترکیه شده است. از مقاله‌ی هانتینگتون که در دسامبر ۱۹۹۹ در مجله‌ی «استاندارد» چاپ شده است، چنین بر می‌آید که مهم‌ترین عوامل رشد اسلام‌گرایی در کشورهای مانند ترکیه را در ناکامی همگانی کردن فرهنگ و معیارهای غرب باید جست.

دکتر «سید احمد موثقی» نیز در کتاب «جنبش‌های اسلامی معاصر» جنبش احیای اسلام را که جریان اصلاح‌طلبی دینی می‌خواند، پاسخ به دو سؤال محوری می‌داند: انحطاط داخلی و هجوم غرب. به نظر وی اهداف و شعارهای کلی این جریان عبارتند از: ضرورت بازگشت به اسلام اصیل و اولیه مناسب، وحدت و همبستگی مسلمانان در مواجهه با استعمار غرب و هماهنگی عقل و دین در پاسخ‌گویی به مقتضیات زمان. موثقی در مقاله‌ی دیگری با عنوان «انقلاب فرهنگی در ترکیه، ۱۹۵۰-۱۹۲۰» که در فصل‌نامه «خاورمیانه» چاپ شده است، به تمایز فرهنگ سیاسی نخبگان و طبقات پایین جامعه ترکیه اشاره می‌کند که در اثر برنامه‌های غرب‌گرایانه آتاتورک حاصل شده است. او معتقد است که دولت ترکیه در این سال‌ها (۵۰-۱۹۲۰) با کاربرد سیاست‌های سکولار و نیز اجرای برنامه‌های غربی نظام ارزشی حاکم بر یک جامعه سنتی را مورد تهدید قرار داده بود؛ بدون این که هم‌زمان یک چارچوب ایدئولوژیک جدید را پدید آورد که برای توده‌ها جاذبه داشته باشد؛ در نتیجه به رغم فرهنگ سیاسی غالب نخبگان حاکم، فرهنگ سیاسی متمایز طبقات پایین شهری و روستایی همچنان به غایت سنتی باقی ماند و مبنایی برای جنبش‌های اسلامی سنت‌گرا، بنیادگرا و حتی نوگرا شد.

«ژیل کپل» محقق مشهور فرانسوی هم از زاویه‌ی جامعه‌شناختی به تحلیل اسلام‌گرایی پرداخته و معتقد است که اسلام‌گرایی پدیده‌ای است تاریخی که از دهه‌ی ۷۰ اوج گرفته و از دهه‌ی ۹۰ رو به افول گذاشته است. کپل رادیکالیزه شدن را یکی از دلایل عمده‌ی شکست اسلام‌گرایی می‌داند و معتقد است که در اواخر دهه‌ی ۹۰ گروه‌های اسلام‌گرای معتدل و برخاسته از طبقات متوسط، بیشتر در پی اتحاد با گروه‌های لائیک بوده‌اند و به سوی آرمان‌هایی مانند دموکراسی حقوق بشر و ... گام برداشته‌اند. او این مرحله را دموکراتیزه شدن جنبش اسلام‌گرا می‌داند.

«اسلام دموکراتیک مدنی» کتاب دیگری است که به همت پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی ترجمه شده است. «چریل بنارد» از پژوهشگران بخش امنیت ملی مؤسسه مطالعاتی «رند» در امریکا نویسنده‌ی این کتاب است که به تقسیم بندی دیدگاه‌های گروه‌های اسلام‌گرا با معیارهایی چون حجاب، تعدد زوجات، دولت اسلامی و ... پرداخته است. بنارد گروه‌های اسلامی را به چهار دسته‌ی بنیادگرا؛ سنت‌گرا؛ سکولار و مدرنیست تقسیم کرده است و با توضیح ویژگی‌هایی برای هر گروه، مدرنیست‌ها را گزینه‌ی مناسبی برای همکاری با

غرب دانسته و متقابلاً بنیادگرایان را دارای بیشترین فاصله با غرب فرض کرده است؛ اما ضعف عمده‌ی نویسنده در این پژوهش این بوده که تلاش کرده است گروه‌های گوناگون اسلام‌گرا اعم از شیعه و سنی را در یک مقوله بگنجانند. همچنین در این اثر که روی خطابش به سیاستمداران ایالات متحده و حاوی توصیه‌هایی به آن‌ها برای چگونگی مواجهه با اسلام‌گرایی است، تلقی ارائه شده از اسلام جانب‌دارانه و مبتنی بر آموزه‌های رادیکال نئومحافظه‌کاران است و ارجاعات به تجارب دینی الگوهای ناصالحی چون طالبان را مد نظر دارد. به رغم این ضعف‌ها و عدم پرداختن به موضوع ترکیه، تقسیم‌بندی نویسنده از گروه‌های اسلامی و بیان ویژگی‌های آنها حائز اهمیت است. عمده آثار و پژوهش‌هایی که در دسته‌ی اول قرار می‌گیرند، از زاویه‌ی نظری به مسائل اسلام و اسلام‌گرایی پرداخته و به موضوع تحولات ترکیه به صورت مسئله‌ای فرعی‌تر پرداخته‌اند.

ب. پژوهش‌های توصیفی - تحلیلی درباره‌ی اسلام‌گرایی و اسلام‌گرایان ترکیه

یکی از مهم‌ترین آثاری که در این زمینه به نگارش در آمده است، «علل رشد اسلام‌گرایی در ترکیه» توسط مؤسسه‌ی مطالعات «اندیشه‌سازان نور» است که نسبتاً جامع به تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی پس از تشکیل جمهوری ترکیه پرداخته است. در این کتاب نویسنده ابتدا به عرصه‌های رشد اسلام‌گرایی همچون عرصه‌ی روشنفکری دینی، احیای شعائر دینی در جامعه، مدارس و دانشگاه‌ها، حضور در عرصه اقتصاد، تلفیق آموزش و تجارت گروه‌ها و جمعیت‌های اسلامی، احزاب سیاسی اسلامی، قدرت سیاسی و بالاخره نظام بین‌المللی می‌پردازد و نشان می‌دهد که در همه عرصه‌های فوق‌الذکر شاهد حضور و گسترش اسلام‌گرایی هستیم. نویسنده در فصل دیگری نظریه‌ها و دیدگاه‌ها درباره‌ی احیای دوباره‌ی اسلام در ترکیه را بررسی می‌کند و همچنین عوامل رشد اسلام‌گرایی از دیدگاه مدرنیسم محور، اقتصاد محور و تلفیق عوامل اقتصادی و سیاسی را بررسی می‌کند.

مهم‌ترین بخش کتاب و به تعبیری پاسخ به بسیاری از سؤالات مطرح شده توسط نویسنده در فصل سوم با عنوان «ناکامی نسبی لائیسزم» گنجانده شده است که در آن با اشاره به ارتباط مذهب و سیاست در دوره‌ی عثمانی‌ها و بیان تحولات تاریخی سیاسی اواخر این امپراتوری به الغای خلافت پس از تأسیس جمهوری ترکیه اشاره می‌کند. محمد زارع نویسنده‌ی کتاب سپس با اشاره به آنچه لائیک‌ها در قالب مدرنیزه کردن جامعه در عرصه‌ی سیاست و فرهنگ و اجتماع - که به گونه‌ای اعمال ضد دینی بر خلاف مفهوم اساسی لائیسزم است - نتیجه می‌گیرد که لائیسزم در ترکیه با واقعیت‌های جامعه همخوانی نداشته است و همین مسئله

زمینه‌ساز احیای دوباره اسلام‌گرایی و تحرک اسلام‌گرایان در این کشور شده است. با این حال این اثر ارزنده نیز تحولات را تا بر آمدن حزب عدالت و توسعه در انتخابات سال ۲۰۰۲ پی می‌گیرد.

«تعامل دین و دولت در ترکیه» نیز اثر مهم دیگری است که توسط دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه منتشر شده است. این کتاب مطالعه‌ی تعامل دین و دولت در ترکیه از سال ۱۹۲۳ (سال اعلام جمهوری) تا سال ۲۰۰۰ م را شامل می‌شود. نویسنده در ابتدا زمینه‌های تاریخی و فرهنگی سیاسی را به عنوان «بستر جریان بازخیزی اسلامی» بررسی می‌کند و در این چارچوب به علل الغای نهاد خلافت بدعت‌های جدید در دوران عثمانی و تداوم آن در جمهوری ترکیه اشاره کرده است. جریانات فکری موازی پان ترکیسم و تفکر التقاطی اسلام ترکی هم در کنار جریان اصلی بررسی شده است. «محمد رضا حیدر زاده‌ی نائینی» در ادامه با توجه به اهمیت احزاب دینی بخشی را به این موضوع اختصاص داده و احزاب را در کنار قرائت‌های مختلف از اسلام و نظام سیاسی در ترکیه بررسی کرده است. او در همین راستا از گروه‌های متصوفه و طریقت‌های بسیار قوی نظیر نقشبندیه و نورجوها در کنار سلسله‌های طریقتی کوچک‌تر بحث کرده است.

نویسنده در پایان به بحث درباره‌ی روندهای آینده با مطالعه‌ی عوامل و فرایندهایی چون آموزش دینی سرمایه‌ی اسلامی زنان مسلمان از یک سو و ساز و کارهای بازدارنده نظیر دادگاه امنیت دولتی گروه کاری غرب پرداخته و همچنین با ارائه‌ی نموداری چرخه‌ی تحولات ترکیه را با توجه به نقش اسلام‌گرایان مشخص کرده است. ضعف عمده‌ی این اثر نیز عدم پرداختن به مسائل و تحولات مهم ترکیه از سال ۲۰۰۰ به این سو است که به روی کار آمدن اسلام‌گرایان نوگرا منجر شده است.

کتاب «جریانات اسلامی در ترکیه» هم اثر توصیفی تحلیلی دیگری است که مؤسسه‌ی مطالعاتی «رند» آمریکا آن را منتشر کرده است. این کتاب توسط یکی از اساتید دانشگاه ترکیه به نام «صبری سیاری»^۱ زیر نظر گراهام فولر^۲ نوشته شده است. گفتنی است که این پژوهش به سفارش وزارت دفاع آمریکا انجام شده و از فوریه‌ی ۱۹۹۰ به تدریج در روزنامه‌ی جمهوریت ترکیه به چاپ رسیده است. نگارنده در این کتاب به رشد اسلام‌گرایی در ترکیه اشاره می‌کند و معتقد است که این گرایش با ابعاد وسیع رو به گسترش است و تقریباً همه‌ی شئون اجتماعی را دربر می‌گیرد. وی پس از بررسی اهداف اسلام‌گرایان یعنی تأسیس جامعه و نظام اسلامی، نقش ایران را در سیاست‌های دینی ترکیه توضیح می‌دهد و می‌کوشد تا ثابت کند ریشه‌ی اسلام‌گرایی

۱. از محققان و صاحب‌نظران مشهور خاورمیانه در آمریکا است.

۲. مدیر اجرایی مؤسسه‌ی ترکیه در واشنگتن.

و اسلام‌گرایان ترکیه در خارج از این کشور است. درباره‌ی نظریات سیاری، «محمد زارع» در کتاب علل رشد اسلام‌گرایی به این موضوع اشاره کرده است که صبری سیاری علت اصلی رشد اسلام‌گرایی در ترکیه را گسترش دموکراسی در جامعه می‌داند و در بررسی علل دیگر به لیبرالیزه شدن اقتصاد و کمک آن به حضور مسلمانان در حوزه‌های اقتصادی و قدرت یافتن آن‌ها و همچنین تأثیرات انقلاب اسلامی ایران نیز اشاره می‌کند.

آثار دیگری نیز هستند که در این دسته قرار می‌گیرند؛ ولی این پژوهش‌ها نیز به بررسی روند تحولات اسلام‌گرایی تا پیش از سال ۲۰۰۰ پرداخته‌اند. کتاب «پژوهشی پیرامون روند تحولات اسلام‌گرایی در ترکیه» نوشته‌ی علیرضا نامور حقیقی، «ترکیه در جست‌وجوی نقشی تازه در منطقه» اثر «جواد انصاری» و «ترکیه جمهوری سرگردان» نوشته‌ی «نورالدین محمد» نویسنده‌ی عرب از جمله‌ی این آثار هستند که در همه‌ی آن‌ها، به توضیحات نسبتاً مشترکی درباره‌ی روند تحولات اسلام‌گرایی و اسلام‌گرایان بر می‌خوریم. با توجه به حادث شدن بخش مهمی از تحولات جدید اسلام‌گرایی در سال‌های بعد از ۲۰۰۰ و به ویژه که این تحولات بیشتر موردنظر این پژوهش است، بیشتر آثار موجود در این باره در قالب مقالات در نشریات، روزنامه‌ها یا سایت‌های اینترنتی موجود بوده است.

«گذار به دموکراسی در ترکیه» عنوان مقاله‌ای است که از پروفیسور «برنارد لوئیس» استاد شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی دانشگاه پرینستون که در مجله‌ی اطلاعات سیاسی - اقتصادی به چاپ رسیده است. برنارد لوئیس که بخش زیادی از فعالیت‌های علمی و مطالعات خود را صرف تاریخ اسلام و رابطه‌ی اسلام با غرب کرده است، از ترکیه به عنوان کشوری یاد می‌کند که توانسته است گذار به دموکراسی را به خوبی طی کند.

او در این مقاله ضمن توصیف روند تحولات سیاسی به صورت مختصر و مفید از ۱۹۵۰ به بعد که نظام چند حزبی جایگزین تک حزبی در این کشور شد، تجربه‌ی ترکیه را الگویی نیز برای سایر کشورهای اسلامی می‌داند. لوئیس با اشاره به سخنی از هانتینگتون - مبنی بر این‌که پیش از آن‌که بتوان یک حکومت را دموکراتیک دانست، باید دست کم دو بار دولت از راه انتخابات تغییر یافته باشد - ترکیه را کشوری می‌داند که برخلاف سنت خاورمیانه که در آن انتخابات دولت‌ها را تغییر نمی‌دهد و دولت‌ها هستند که در انتخابات دست کاری می‌کنند، این آزمون را نه دو بار بلکه بارها از سر گذرانده است.

«آزادی‌خواهی اقتصادی اسلام‌گرایان ترکیه» هم عنوان مقاله‌ای از دکتر «موسی غنی‌نژاد» اقتصاددان و استاد دانشگاه در تهران است که از زاویه‌ی اقتصادی، چرایی و موفقیت اسلام‌گرایان را بررسی کرده است. غنی‌نژاد با اشاره به پیروزی‌های متوالی و قابل تأمل حزب عدالت و توسعه در عرصه‌ی انتخابات می‌نویسد:

اسلام‌گرایان امروزی ترکیه ظاهراً به این نکته پی برده‌اند که ظرفیت‌های عظیمی در اندیشه اسلامی برای آزادی اقتصادی و کارآمدی سیاسی وجود دارد که می‌توان از آن برای پیش بردن سیاست‌های توسعه اقتصادی بهره گرفت. او در این مقاله که روزنامه دنیای اقتصاد آن را منتشر کرده، ادامه می‌دهد: «اسلام‌گرایان ترک به خوبی دریافته‌اند که برای تأکید بر هویت اسلامی نیازی به تبدیل آن به ایدئولوژی سیاسی یا اقتصادی ابزارگرایانه نیست. آن‌ها مدعی ابداع مدل سیاسی یا اقتصادی جدیدی نیستند، آن‌ها اعتقادات دینی را وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف سیاسی یا اقتصادی تلفی نمی‌کنند.

«ابراهیم بهشتی نامدار» نیز در مقاله‌ای با عنوان «تجربه‌ی موفق حزبی اسلام‌گرا در نظام سکولار» نگاهی دارد به عملکرد حزب عدالت و توسعه از زمان پیروزی در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۲ تا آستانه انتخابات پارلمانی ۲۰۰۷. بهشتی در این مقاله که تداوم روند توسعه در ترکیه از دهه‌ی ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۷ را بررسی کرده این سوال را طرح کرده است که چرا دولت اسلام‌گرای حزب عدالت و توسعه برخلاف پیش‌بینی‌ها توانست روند توسعه ترکیه را (۲۰۰۲-۲۰۰۷) تداوم بخشد و عملکرد موفق‌تری از خود به جای گذارد؟

رهیافت غیرایدئولوژیک و در اولویت قرار دادن منافع ملی به جای منافع حزبی پاسخی است که به این سؤال داده شده و به تشریح آن پرداخته شده است. او معتقد است اسلام‌گرایان نوگرا به جای دم زدن از تحقق ارزش‌های دینی و وعده‌ی استقرار یک حکومت دینی که پایه‌های نظام لائیک را سست کند، از اولویت اقتصاد، تداوم روند اصلاحات موجود و حقوق بشر سخن گفتند. آن‌ها با درک شرایط ترکیه سعی کردند که خود را ادامه‌دهنده‌ی راه اربکان و حزب منحله‌ی رفاه نشان ندهند تا به سرنوشت آن‌ها دچار نشوند. با این حال از ارزش‌های دینی خود نیز در سایه‌ی آزادی مذهبی و دموکراسی و حقوق بشر دفاع کردند.

بهشتی در مقاله‌ی دیگری که در مجله‌ی «شهروند امروز» منتشر شده است، به کارنامه‌ی موفق حزب حاکم عدالت و توسعه می‌پردازد و می‌نویسد: نگاهی به کارنامه‌ی این حزب اسلام‌گرا که به زعم بسیاری از کارشناسان می‌رفت تا ترکیه و حزب عدالت و توسعه را الگویی برای کشورها و احزاب اسلامی مبدل کند، نشان از موفقیت نسبی اسلام‌گرایان در اداره‌ی کشور دارد. اقتصاد ترکیه برای پنجمین سال متوالی به رشد سریع خود ادامه داده و در سال ۲۰۰۶ رشد تولید ناخالص ملی این کشور به شش درصد رسید. این رشد باعث ورود نزدیک به ۱۲ میلیارد دلار سرمایه‌ی مستقیم خارجی به این کشور تنها در سه ماهه‌ی اول سال ۲۰۰۷ شده است.

پژوهش دیگر در این ارتباط پایان‌نامه‌ای از «احمد جانسیز» با عنوان «دگرش اصلاح‌طلبانه اسلام‌گرایی در ترکیه» است. جانسیز در رساله‌ی دکترای خود تا حدودی به بحث موردنظر این پژوهش نزدیک می‌شود؛ اما

نه به صورت اصلی و مستقیم. دغدغه‌ی مهم او یافتن پاسخی برای چرایی تغییر نگرش اسلام‌گرایان از مواضع رادیکال سابق، به مواضع اصلاح‌طلبانه فعلی است. تعامل سنت و مدرنیته به عنوان فرضیه‌ی اصلی، بخش عمده آن را شامل می‌شود. به هر روی این اثر نسبت به دیگر پژوهش‌های صورت گرفته نزدیکی بیشتری به موضوع این پژوهش دارد.

حدود پژوهش

این پژوهش تحولات سیاسی و اجتماعی مربوط به اسلام‌گرایان در کشور ترکیه بین دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۷ را در برمی‌گیرد.

هدف پژوهش

جهان اسلام از زمان مواجه شدن با دنیای جدید همواره درگیر شکاف سنت و مدرن بوده و هست. دین و دموکراسی و امکان ترکیب آن‌ها نیز موضوعاتی بوده‌اند که ذیل این شکاف تعریف شده‌اند. با وجود مجاهدت‌های فراوان نواندیشان دینی در جوامع مسلمان تاکنون نتیجه رضایت‌بخش و مورد اقبال عمومی درباره ترکیب دین و دموکراسی حاصل نشده است. هرچند در اساس این موضوع (امکان تلفیق دین و دموکراسی) نیز مخالفت‌های آشکاری وجود دارد؛ با این حال می‌توان از ترکیه به عنوان کشوری یاد کرد که به ویژه در چند سال اخیر به موفقیت‌های قابل توجهی در این زمینه دست یافته است. انجام این پژوهش می‌تواند منتقل‌کننده‌ی تجربیات ترکیه به سایر جوامع و به ویژه جامعه ایران نیز باشد که همچنان موضوع دین و دموکراسی در آن‌ها محل مناقشه است.

روش تحقیق

در این پژوهش از روش توصیفی-تاریخی استفاده شده و فنون و تکنیک‌های جمع‌آوری اطلاعات نیز با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، اینترنت و مقالات مجلات و روزنامه‌ها است.

چارچوب نظری: اسلام دموکراتیک

تغییر و تحولات ناشی از چالش‌های سیاسی، نظامی و تمدنی غرب همراه با جذابیت اندیشه‌های سیاسی مقولاتی چون دموکراسی، افکار عمومی، برابری زن و مرد و حاکمیت مردم باعث ظهور دو حوزه‌ی تفکر سیاسی در محافل اسلامی جهان اسلام و به ویژه خاورمیانه شد. یک‌سو خیل متفکرانی قرار داشتند که به جدایی‌ناپذیری دین و سیاست و لزوم وجود حکومت اسلام به عنوان یک اصل شرعی تأکید کردند و از سویی دیگر معدود متفکرانی که با توجه به دشواری‌های موجود پس از انحلال خلافت و پراکندگی

مسلمانان، چه در درون مرزهای ملی و چه در چهارچوب کشورهای گوناگون مسلمان و همچنین با توجه به میراث غیرقابل دفاع نظام‌های حکومتی دینی در دوران بنی‌امیه و عثمانی‌ها، به تدریج اندیشه جدایی دین از سیاست و رویکرد به حکومت مدرن غیردینی را مطرح ساختند. «محمد رشید رضا» و «علی عبدالرزاق» به ترتیب نماینده‌ی شاخص این دو نگرش هستند.

علی عبدالرزاق در برابر اندیشه و سنت رایج و حاکم در طول قرن‌ها حکومت اسلامی، معتقد به تفکیک نبوت و حکومت در نزد پیامبر اسلام است. او اثبات می‌کند که اقتدار و حکومت سیاسی پیامبر از نوع اقتدار پادشاهان نبوده است. عبدالرزاق همچنین با اشاره به لزوم تشکیل حکومت در نزد مسلمانان می‌گوید که در هیچ منبعی چه قرآن چه حدیث و سنت به شکل و نوع حکومت اسلامی اشاره‌ای نشده است و بنابراین تشخیص و انتخاب شیوه حکومت امری زمینی و بر عهده مردم است.

«محمد (ص) فقط رسولی بوده که پیام دینی را ابلاغ کرده و هیچ تمایلی به قدرت نداشته است. او برای تاسیس دولتی پادشاهی، به معنایی که از این کلمه و مترادفات آن فهم می‌شود، قیام نکرد. بر مبنای این نظر، محمد جز رسولی همانند برادران رسولش که مقدم بر او بودند، نبوده است. نه شاه بود و نه مؤسس دولت.»^۱ این نگاه که در واقع نگاهی مدرن و دموکراتیک به رابطه‌ی دین و دولت در جهان اسلامی است. سال‌ها بعد توسط دو تن دیگر از اندیشمندان شهیر اسلامی مطرح می‌شود. قاضی «محمد سعید عشاوی» - قاضی القضاة دیوان عالی استیناف و دادگاه عالی مصر و دکتر «نصر حامد ابوزید»، نظریه‌پردازانی شدند که ایده‌های مدرن و برداشت دموکرات‌منشانه آن‌ها از دین واکنش‌های تند سنت‌گرایان را در پی داشت.

در ادامه مباحث مربوط به این دو دیدگاه، چریل بنارد پژوهشگر مؤسسه مطالعاتی رند در آمریکا نیز اسلام‌گرایان را به ۴ دسته تقسیم کرده و با بیان مشخصات هر کدام، دوری یا نزدیکی آن‌ها را به آموزه‌های مورد ستایش غرب (دموکراسی) مورد ارزیابی قرار داده است.

در حقیقت «اسلام دموکراتیک» که رهیافت مورد توصیه‌ی بنارد برای برقراری ارتباط مطلوب بین جهان اسلام و جهان غرب است، چارچوب نظری این پژوهش را شامل می‌شود. براساس نظر بنارد، اسلام‌گرایان به ۴ دسته بنیادگرایان، سنت‌گرایان، مدرنیست‌ها و سکولارها تقسیم می‌شوند^۲ که در میان آن‌ها بنیادگرایان بیشترین فاصله را با دموکراسی دارند و مدرنیست‌ها نیز کمترین فاصله را. اساس اندیشه‌ی مدرنیست‌ها در مورد جامعه، بر این پایه استوار است که افراد در آن دین‌داری خود را به روشی که باور به معنادار بودن آن

۱. علی عبدالرزاق، اسلام و مبانی قدرت، امیر رضایی، قصیده سرا، تهران، ۱۳۸۲، ص ۱۳۸

۲. چریل بنارد، اسلام دموکراتیک مدنی، عسگر قهرمانپور، پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۸۴